

مصاحبه نشریه جهان

بایگی از اعضای کمیته مرکزی

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

و مسئول کمیته خارج از کشور

توضیح :

فرستی دست داد تا بایگی از رفقای عضو کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و مسئول کمیته خارج از کشور گفتگویی انجام دهیم. عین مصاحبه انجام شده در زیر درج می‌شود.

"جهان"

۲ ژانویه ۱۹۸۵

ژانویه ۱۹۸۵

سؤال - نظر شما راجع به وضعیت سیاسی اقتصادی رژیم چیست ؟

جواب - رژیم جمهوری اسلامی تلاشهای زیادی را برای سرو سامان دادن به اوضاع اقتصادی خود آغاز کرده است. بسیاری از قرارداد های اقتصادی که در دوران شاه با انحصارات امپریالیستی منعقد شده بود مجدداً توسط رژیم احیا شده است. اکنون بخش وسیعی از صنایع با کمک و حمایت انحصارات امپریالیستی بکار مشغولند. دست بخش خصوصی بیش از پیش برای ورود کالاهای اساسی و امپریالیستها بازگذاشته شده است. بطور مثال رژیم اخیراً یک قراردادی به مبلغ ۷/۶ میلیارد مارک با آلمان غربی منعقد نمود. از این مبلغ بخشی برای بازسازی مراکز تاسیسات آتمی اختصاص داده شده است که بعد از سرنگونی رژیم شاه متوقف شده بود. بقیه به خرید کالاهای اساسی آلمان و مواد غذایی مربوط میشود با این همه هنوز هم بسیاری از کارخانه ها و صنایع در حد نسبی از ظرفیت خود مشغول بکار هستند.

رژیم همچنین تلاشهایی برای رها سازی از بحران کشاورزی آغاز نموده است. اعتبارات زیادی را در این زمینه اختصاص داده است. اما هنوز نه در بخش صنایع و نه در بخش کشاورزی هیچیک نتوانسته است تغییر جدی بوجود آورد. بخش وسیعی از درآمد های دولت که از نفت بدست می آید در خدمت هزینه های جنگی رژیم است. مسئله کمبود ما محتاج و گرانی کالاها، تورم افسار گسیخته، نیز همچنان در زمره مهمترین مسائل اقتصادی دولت است که نتوانسته گامی در جهت حل آنها بردارد. در مجموع که به وضعیت اقتصادی رژیم نظریاً فکتیو می بینیم که بحران اقتصادی همچنان با برجا است. نتیجتاً فشار بر روی توده های مردم بسیار زیاد است. بنابراین آنها مدام افزایش می یابد. کارگران بیش از تمام طبقات و اقشار جامعه در زیر فشار اقتصادی قرار دارند. بخش عظیمی از کارگران بیکارند. سطح دستمزدها آنها به چوبه تا مین کننده حداقل معیشت آنها نیست. اعتبارات متعددی که از رگزی که اکنون جریان دارد، خود بازگویی کننده شرایط و درخواستهای کارگران است. اعتبارات اخیر در کارخانجات ذوب آهن، نفت، توبوسرانی پارس متال ودهها مورد دیگر که هم اکنون جریان دارد، تنها نمونه هایی است از اعتراضات روز افزون کارگران علیه رژیم جمهوری اسلامی.

از لحاظ سیاسی نیز رژیم علیرغم بکارگرفتن سیاست سرتیژه، سرکوب و ایجاد ارباب و استفاده از فاشیستی ترین شیوه های پلیسی هنوز نتوانسته است خود را تثبیت نماید. در کارخانه ها کارگران متشکل تر از گذشته دست به اعتصاب می زنند. اعتراضات خود بخودی گسترده تر شده است. بموازات گسترش مبارزه و بالارفتن شدت مقاومت در مقابل رژیم، سرمداران رژیم جمهوری اسلامی هر روز بر ابعاد سرکوبیها می افزایند. رژیم تاکنون بیش از سی هزار نفر از نیروهای انقلابی را تیرباران نموده است. هم اکنون بیش از صد هزار نفر زندانی سیاسی در زندانها وجود دارد. علیرغم تمام جنایاتی که رژیم در زندانها آفریده است روحیه مقاومت بالاست. البته این واقعیت است که رژیم توانست بعد از حوادث ۲۲ خرداد ۵۶ کسه مجاهدین نیروی خود را بدون سازماندهی و برنامه مشخص رودر روی پاسداران قراردادند و ضرباتسی به نیروهای انقلابی وارد آورد. موازنه سیاسی را به نفع خود برهم زد و با برهم خوردن این موازنه سیاسی ارگانهای سرکوب خود را مستحکم نماید و با برقراری یک دیکتاتورانی عنان گسیخته به سرکوبیهای وحشیانه تری دست زد که البته در کوتاه مدت توانست تا حدی جلوسمبارزات توده ها را بگیرد اما با این همه رژیم موفق نشد مبارزات رشدیابنده توده ها را سد کند. علاوه بر اعتبارات کارگری، طی ماههای اخیر اعتراضات توده ای گسترده ای در مناطق مختلف ایران علیه رژیم جمهوری اسلامی صورت گرفته است. بطور مثال حرکت یکپارچه مردم در استان دیوم اجدیه تهران، اعتراض گسترده مردم مشهد علیه فشارهای سیاسی - اقتصادی رژیم، اعتراضات متعدد در کرج، شمال بویژه رشت و لنگرود ودهها مورد دیگر که در سراسر ایران جریان دارد. خلق قهرمان کرد نیز همچنان به مقاومت علیه یورشهای وحشیانه رژیم در این منطقه ادامه می دهد و روزی نیست که پیشمرگان در یک مصاف نابرابر با مزدوران مسلح به مجهزترین سلاح

های امپریالیستی ضربات مهلکی به نیروهای رژیم وارد دنیا و روند، بطور کلی وضعیت موجود کوبای ایمن واقعیت است که توده‌های مردم در هیچ کجای ایران از نیروهای رژیم تمکین نمی‌کنند و رژیم فقط با زور سرنیز به حیات خود ادامه می‌دهد. این وضع نیز نمی‌تواند دوام یابد و دیرری نخواهد پایداید که توده‌های مردم طومار رنگین این رژیم ارتجاعی و وابسته‌ها امپریالیسم را در هم می‌پیچند.

سؤال - بیش از چهار سال از جنگ بین رژیم‌های ایران و عراق می‌گذرد، در این مورد نظر شما چیست و چشم‌انداز این جنگ را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

جواب - مهمترین مسئله‌ای که امروز مسئله عموم مردم ایران است، مسئله جنگ است. امروز برای بسیاری از توده‌های مردم ایران ماهیت ارتجاعی این جنگ در تجربه روشن شده است. آنها به تجربه دریا فته‌اند که این جنگ در جهت منافع آنها نیست، توده وسیع مردم نه تنها تمایلی به جنگ ندارد بلکه شدیداً مخالف آن هستند. رشد احساسات صلح طلبانه در میان توده‌ها، انعکاس این واقعیت است که مردم از جنگ نفرت دارند و خواستار پایان یافتن آن هستند. اما رژیم جمهوری اسلامی همچنان به جنگ ادامه می‌دهد.

سؤال - آیا با توجه به اینکه توده‌های مردم طالب صلح هستند، شعار نیروهای انقلابی چه باید باشد؟ چون برخی نیروها شعار صلح را شعار محوری در میان رزده علیه رژیم جمهوری اسلامی قرار داده‌اند؟

جواب - بله برخی جریان‌ها نظیر مجاهدین، راه‌گرا، رکر، پس مانده‌های اکثریت و حزب توده در خارج از کشور و امثالهم شعار صلح را طرح کرده‌اند. اما این شعار برای فرصت طلبان است، کدام صلح؟ توسط چه کسی؟ در خدمت منافع کدام طبقات؟ آنها در حقیقت توده مردم را فریب می‌دهند. از توده‌ها می‌خواهند که از رژیم جمهوری اسلامی صلح طلب کنند. آیا رژیم جمهوری اسلامی می‌تواند صلحی بدهد که مطلوب توده‌های مردم باشد؟ پاسخ منفی است.

سؤال - آیا رژیم جمهوری اسلامی بای فرار د صلح با رژیم عراق خواهد آمد؟ و آیا در مقابل طرح شعار صلح بوسیله جریان‌ها فوق الذکر سازمان‌ها ریشخنی طرح کرده است؟

جواب - رژیم جمهوری اسلامی در نهایت می‌تواند پای یک بندوبست و یک آتش بس موقت بیرون صلح به معنای واقعی کلمه، یعنی صلحی که مطلوب توده‌ها و در خدمت منافع آنها باشد، رژیم هرگز بای چنین صلحی نخواهد رفت. شعار ما نیز اساساً با شعار جریان‌ها فوق الذکر متفاوت است. ما می‌گوئیم آرزوهای صلح طلبانه توده‌ها بیا تکز این واقعیت است که توده‌ها از جنگ بیزارند. ما باید از این خواست توده‌ها استفاده کنیم و به بیش از هفتاد سال گذشته، ما بدون سرنوشتی کارگران به توده‌ها توضیح دهیم که برقراری صلح، برافتادن ستم و رفا و آسایش توده‌ها ایده‌آل ماست. اما بدون سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی نمی‌تواند باین خواسته‌های برحق و عادلانه دست یافت. از این روست که ما به مردم توضیح می‌دهیم که برای دست‌یابی به یک صلح دمکراتیک باید این جنگ ارتجاعی را به یک جنگ داخلی انقلابی تبدیل کرد، یعنی ما مردم را به قیام علیه رژیم فرا می‌خوانیم. تکز شعار صلح بدون پیوند آن با سرنوشتی رژیم شعار فرصت طلبانه است که هدف آن فریب توده‌هاست. از دید این جریان‌ها کوبا که ضیق‌ات ارتجاعی حاکم و بورژوازی کشورهای در حال جنگ می‌توانند به مردم صلح اعطا کنند!

سؤال - با توجه به انتخابات اخیر آمریکا و مصاحبه‌های ریگان چه تحولاتی را در هیئت حاکمه ایران می‌توان انتظار داشت؟

جواب - مسئله اساسی که باید در نظر داشت این است که رژیم جمهوری اسلامی با توجه به مجموع شرایط سیاسی ایران و منظره رژیمی مطلوب برای امپریالیست‌هاست. بی‌شک امپریالیسم آمریکا طی چهار سال گذشته تلاش‌های زیادی برای بقا این رژیم نموده است. برخی‌ها تصور می‌کنند که امپریالیسم آمریکا با توجه به اینکه به سلطنت طلبان اعتماد بیشتری دارد تلاش خواهد کرد که آنها را جایگزین رژیم جمهوری اسلامی کند. اما واقعیت چیز دیگری است. امپریالیسم آمریکا اکنون خواهان حفظ وضع

موجوده در ایران است و هر تلاشی را که بخواند انجام دهد با استفاده از نیروهای درون رژیم انجام خواهد داد. چرا که در شرایط سیاسی موجود هر تغییر سیاسی ممکن است منجر به بحرانی تر شدن اوضاع شود. چیزی که امپریالیسم از آن وحشت دارد، اینا بر این تبلیغات انتخاباتی ریگان یک مسئله سیاست عملی آنها چیز دیگریست.

سؤال - در اینجا می‌خواستم نظر شما را در باره سیاستهای تجار و کارخانه‌ها امپریالیسم در سطح جهان و مداخلات نظامی آنها جویا شویم؟

جواب - امپریالیسم در جنگال یک بحران عمومی همه گیر گرفتار است. این نظام سرتاپا گندیده در حال فروپاشی است، از حیث اقتصادی با یک بحران مدام و مزمن روبروست. در این مورد آمریکا و اروپا و ژاپن و کشورهای در کشورهای امپریالیستی خود به نگرانی واقعیت است. به طور مثال بیکاری در انگلیس ۱۲/۹ درصد و در آلمان ۸/۸ درصد می‌باشد و این در حالی است که کسری بودجه در آمریکا برقی در حدود ۲۰۰ میلیارد دلار رسیده است. از طرفی هر روز بر حدت تضاد بین امپریالیستها افزوده می‌شود. تضاد گروه بندیهای بین المللی، تضاد امپریالیسم با چین و آمریکا، تضاد امپریالیستهای اروپا و آمریکا و غیره، همچنین امپریالیسم بطور مدام در سطح جهان با از دست دادن بازارهای خود آزاد شدن ممالک تحت سلطه و وابسته روبروست. از آنجا که زمین سیاسی نیز گرایش به ارتجاع و سرکوب دارد، رشد فنی و علمی آن در توسل به مایلتا ریسیم خود را نشان می‌دهد. امپریالیستها دول مرتجع تحت سلطه و وابسته خود را سرتاپا مسلح می‌کنند، جنگهای منطقه‌ای برای آنها زندگی و زندگی است به ما جراحی و مداخله نظامی می‌زنند. بطور مثال هنگامیکه امپریالیسم آمریکا نتوانست با دخالتهای غیر مستقیم حکومت مردمی کرانادا را که در مارس ۱۹۷۹ برهبری موریس بیثاب بقدرت رسیده بود سرنگون کند بطور مستقیم و با دخالت نظامی این کار را عملی ساخت. دخالتهای مستقیم و غیر مستقیم امپریالیسم آمریکا اکنون در نیکارا کوشه و السالوا دور نیز خود دنیا نگرانی حقیقت است که امپریالیسم به سیاستهای تجار و کارخانه خود بطور پنهانی و آشکار در سطح جهان ادامه می‌دهد. از دیگر تجار و سیاست نظامی امپریالیستها که اکنون دنیا شاهد آن است و بطور آشکار صورت گرفته است، منطقه خاور میانه و خلیج فارس میباشد. اما در این منطقه نیز شکست آنها حتمی است. وضعیت موجود در لبنان بیانی نگرانی واقعیت است که دوران مداخلات نظامی برای امپریالیستها بسر آمده است. و بنیام این را قبلا ثابت کرده اند.

سؤال - صحبت از خاور میانه و خلیج فارس شد ممکن است در باره سیاستهای امپریالیسم در این منطقه بیشتر توضیح دهید؟

جواب - بله منطقه خاور میانه و خلیج فارس بخاطر اهمیت استراتژیک اقتصادی - سیاسی و نظامی آن برای امپریالیستها، اکنون مورد تعرض گسترده امپریالیسم آمریکا قرار گرفته است. امپریالیسم آمریکا در این منطقه دست به ایجاد دیپلومک بندیهای نظامی تحت رهبری عربستان سعودی زده است. گرچه تعرضات آنها در لحظه کنونی ممکن است بر دسیاسی محسوب شود اما مطمئنا رشد جنبشهای ضد امپریالیستی را در منطقه باعث می‌گردد.

البته شوروی نیز بخاطر سیاستهای مداخلات طلبانه خود، مداخلات با دولتهای ارتجاعی منطقه، حمایت از اجزای و سازمانهای اپورتونیست، بیابان تعرض امپریالیسم کمک کرده است. مطمئنا این تعرضات اخیر امپریالیسم آمریکا در آمریکا لاشین و خاور میانه به پایتدریس خوبی برای رهبران اتحاد جماهیر شوروی باشد.

از طرف دیگر امپریالیسم جهان را در لبه پرتگاه یک جنگ عظیم جهانی دیگر قرار داده است و کشورهای اروپایی را تحت چتر حمایت خود را در یک درگیری بزرگ نموده است و هفت هزار کلاهک اتمی را در ۱۵۰ نقطه اروپای غربی مستقر ساخته است. آمریکا قصد دارد ۵۷۲ سلاح اتمی جدید را در اروپا مستقر سازد (۱۶۰

موشک کروزر در انگلیس ۱۰۸، موشک پرشینگ ۲ و ۹۶ موشک کروزر در آلمان غربی، ۱۱۲ موشک کروزر در ایتالیا ۲۸ موشک کروزر در بلژیک و ۴۸ موشک کروزر در هلند است. آخرین پروژه بزرگ آمریکا پروژه جنگ فضائی است. آمریکا قصد دارد یک مرکز دفاع ضد موشکی در فلپا بوجود آورد. ریگان در نظر دارد بودجه این پروژه را در عرض ۴ سال آینده سه برابر سازد.

بها اعتقاد من امروز بیش از هر زمان دیگری به وحدت نیروهای خدا مهربا لیست در عرصه جهانی بسیاری وارد آوردن ضربه قطعی به مهربا لیسم نیازمندیم.

سؤال - نظر شما نسبت به شورای ملی مقاومت چیست؟

جواب - واقعیت این است که مردم ایران چیزی بنام شورای ملی مقاومت نمی شناسند، تنها سروصدائی از آن در خارج از کشور بگوش می رسد. این شورا بعد از تلاشی بی دریبی اکنون با بن بست و بیلتکلیفی روی پرو شده است و تنها اسمی از آن در دست مجاهدین باقی مانده است.

سؤال - وضعیت سازمان مجاهدین را چگونه می بینید؟

جواب - شما بخوبی میدانید که سازمان مجاهدین خلق در مقطع اخیر داده عتوده های هوادار و نیروهای تشکیلاتی خود را که در مقابل توده های میلیونی تکی بودند به نیابت از جانی توده ها بخیا با یکشاید، آنهم بشکل بسیار بیجا نه و بدون سازماندهی معین، علت این مسئله نیز این بود که مجاهدین در آن مقطع، با بنی صدر رئیس جمهور خمینی عملاً از سر گرفته بودند و نیازی بیک جنبش توده ای برای سرکونی رژیم نمی دیدند. مجاهدین تصور می کردند که ارتش با نیاداری از آنها و بنی صدر را در عمل خواهد دوگدا و رژیم بکسر خواهد شد، اما دیدید که چنین نشد. رژیم از فرصت بدست آمده حداکثر بهره را گرفت. رژیم نه تنها بیشترین ضربه را به مجاهدین بلکه به کلیه نیروهای انقلابی وارد ساخت. با شکست استراتژی توتو کتیک مجاهدین آنها با بن بست روبرو شدند و اکنون دچار تشتت و پراکندگی درونی هستند.

سؤال - مدت ها است که رهبری این سازمان دست به فحاشی و بیخوردگی غیر سیاسی نسبت به سایر نیروهای انقلابی زده است. در این مورد نظر شما چیست؟

جواب - برای پاسخ به این سؤال باید به ناگاه میهای سیاسی و بندهیستهای آنها در گذشته برگردیم. رهبری مجاهدین بعد از ۲۰ خرداد ۵۷ را خود را عملاً زمامداران و سران نیروهای انقلابی جدا کرد. آنها راه سازش با بنی صدر و ارتش را پیش گرفتند. آنها با فردی سازش کردند که پیشینه اش برای توده های مردم روشن نبود یعنی صدر رئیس جمهور خمینی قاتل خلق کرد، ترکمن صحرا و مسئول کشتار در آنگاها بود. رهبری مجاهدین نیز بخوبی با پس امرواقف بود، اما سیاست سازشکارانه آنها در زمینه کسب قدرت سیاسی از بالا و آدا نشان گردن به این سازش تن دردهند. می بینید که امروزه با ارتش و مرزکاران روستا نشان به کجا کشیده شده است. در آدا مه همیسن خط مشی سازشکارانه است که امروزه با ارتش سازش با ارتش و رئیس جمهور خمینی گذاشته اند، آنها اکنون در مقابل سران مرتجع ترین کشورهای دست نشانده ناما بیندگان سنای آمریکا سر تعصیم فرود می آورند. اما مشکلات دیگری نیز گریبان گیر آنها بوده است بطور مثال بعد از خروج رجوی و بنی صدر از ایران و بعد از آن خروج رهبری مجاهدین و رها کردن آنها به نیروی جوان و پرشورا انقلابی بدون برنامه و سازماندهی رهبری مجاهدین اعتبار و حیثیت خود را نه تنها در بین توده های مردم بلکه در بین هواداران شان هم از دست داد. شکست استراتژی و تاکتیک مجاهدین و پس از آن نازهای من در آوردی و بی پایه و اساس رجوی در باره مبارزه مسلحانه از یک طرف و جنگا لها و عوام فریبیهای دوسال گذشته شان به همراه وعده و وعده های توخالی و دروغین از سوی دیگر تا نیروی بسیار منفی بر آدها توده های مردم بویژه هواداران شان باقی گذارد. بعد از این شکستها بود که پیروزی دیپلماتیک را عملاً محور کار خود قرار دادند. ولی این سیاست جدید رهبری مجاهدین هم بندهیست بیشتری را می طلبد، در همین مقطع بود که ملاحظه می کنید دشمنی و خصومت رهبری این سازمان با طبقه کارگر، بویژه با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران آشکارتر می شود. آنها برای جلب حمایت مهربا لیستها و نشان دادن دشمنی خود با طبقه کارگر و سازمان ما تا به نجا

پیش رفتند که ما مرشدند سا زمان چریکهای فدائی خلق ایران را با آن همه گذشته پرافتخارش، با همه فداکاران و ایثارگرهایش "مشکوک" قلمداد کنند! اما برآستی اینها چقدر باید توده های مردم را تا آگاه بپندارند که چنین سهمتی را به سا زمان چریکهای فدائی خلق ایران نسبت دهند. کمی تعمق کنید اینها از سران کشورهای مرتجع و دست نشانده گرفته تا امپریالیسم آمریکا با همه وارد و بوند شده اند آنوقت سا زمان چریکهای فدائی خلق ایران "مشکوک" است؟ بهر صورت اینها هنگامیکه از نزدیکی به احزاب با مصلح بورژوا - لیبرال اروپا نایمیدند ندیده دمکراتهای آمریکا روی آوردند، ولی از آنجا که اینان را اعتبار خود را در داخل ایران از دست داده بودند - میریالیستها نیز آنها را خیلی جدی نگرینند بدینا همین تا که میباید بود که بنی صدر تا کتیک خود را از ما هدین جدا کرد ولی آنها فدائی تا کتیک هم - بیما ان استراتژیک دیروز خود را هم نتوانستند تحمل کنند و امروز کارشان به فحاشی علیه همه نیروهای انقلابی کشیده شده است .

سوال - ممکن است دربار ره جدائی تا کتیک بنی صدر از ما هدین و ضدیت خاص رهبری ما هدین سا زمان توضیح بیشتری بدهید؟

جواب - بله ما بطوریکه گفتم بنی صدر فقط تا کتیک خود را از رهبری ما هدین جدا نمود، چرا که در واقع بودیک طرف مسئله عتفا دوزد یکی آنها به امپریالیستهاست، طرف دیگر عتفا دمتقابل است که فعلا امپریالیستها آنها را جدی نمیگیرند، عدم همکاری امروزی بنی صدر با ما هدین بمعنای جدائی آنها از ما از لحاظ ایدئولوژیک و شیوه نگرش آنها نسبت بمسائل اجتماعی نمیباشد. هم اکنون نیز بنی صدر و رهبری ما هدین در یک جهت کاملاً بر میدارند. جدائی رهبری ما هدین با بنی صدر در این نیست که مثلاً آنها ساختما نشان را از یکدیگر جدا کنند، رهبری ما هدین و بنی صدر هر دو یک سیاست را پیش میبرند، هر دو با طبقه کارگر عداوت و دشمنی دارند، رهبری ما هدین و بنی صدر هر دو در جهت حفظ سیاست سرما به و جذب سرما به داران تلاش میکنند. رهبری ما هدین و بنی صدر هر دو در جهت جلب حمایت با مصلح احزاب بورژوا - لیبرال اروپا پیشقدم شده اند. بنی صدر و رهبری ما هدین هر دو با کمونیستها دشمنی دارند، بنی صدر و رهبری ما هدین هر دو حق تعیین سرنوشت خلقها را نفی میکنند. هر دو حقوق خلقهای کرد، ترک، ترکمن، بلوچ و عرب را زیر پا میگذارند و هر دو سیاست خصمانه ای را علیه خلقها پیش گرفته اند. رهبری ما هدین و بنی صدر هر دو جمهوری دمکراتیک اسلامی میخواهند که در اساس هیچ فسرقی با جمهوری اسلامی خمینی ندا رود و آنها دلیل دیگر، ملاحظه میکنند که هدف آنها یکی است فقط اختلاف در تاکتیکها نشان است، حال شما میپرسید چرا با سا زمان ما دشمنی خاصی ندارند، بخاطر همین نقطه نظرات ما است. هنگامیکه رهبری ما هدین نمی توانند با سطح مشخصی نسبت بمسائل مطروحه از جانب سا زمان را بدهند، آنوقت برخورد های عصبی و غیر سیاسی میکنند. به تشریح نشان ما را چه کنید، اخیراً به کرات نیز در کمال شجاعت، ببخشید بیشتر می ادعا کرده اند که بنی صدر با سا زمان چریکهای فدائی خلق ایران است و یکسری اباطیل دیگر، ولی کیست که نداند و نفهمد که این تهمتها و برجسیها قبلاً بوسیله رژیم شاه و خمینی تجربه شده است. کیست که نداند این سلاخی که رجوی تازه بیفکران استفاده از آن افتاده است رنگ زده است. بهر صورت اینگونه ادعاها و تهمتها را ما به قضاوت عموم مردم ایران میگذاریم. تا رنج مبارزات میهن ما مملو از دلار و ریها و فداکاران ریها - ثی است که با خون رشیدترین فرزندان خلق نوشته شده است. در این میان بسیار کسانی بودند که در مقام حساس با پشت کردن به توده های مردم و آزمانهای آنان را عارض و در پیش گرفته اند. قیام بهمس ما را بخاطر ریها ورید، چگونه خمینی بروج نارضایتی توده ها سوار شد و با استفاده از عدم آگاهی و تشکیلات انقلاب را به کجرا کشید. اما تا رنج تکرار نخواهد شد مردم هر دفعه گول شاراتانهای از نوع خمینی را نمی خورند.

سوال - میخواستیم نظرسا زمان را در مورد با مصلح حزب کمونیستی که حومه تشکیل داده است بدانیم؟

جواب - ما تاکنون از این نوع حزبها در ایران فراوان داشته ایم، خیلیها خود را حزب کمونیست، حزب طراز نوین طبقه کارگر می‌دانند، نظیر حزب توده، رنجبران، طوفان، کارگران سوسیالیست و امثالهم، حزب کمونیست کومله هم نظیر همین احزاب است. نخست اینکه ایدئولوژی حاکم بر این حزب مارکسیسم - لنینیسم نیست، کومله مدافع نوعی سوسیالیسم خرده بورژوازی است. در این زمینه در نشریات سازمان تحت عنوان "سوسیالیسم دهقانی" مفصلاً بین مسئله مورد بحث قرار گرفته است و جنبه‌های مختلف آن شگافته شده است. کافی است که شما به برنامها آنها، نظریات فکری و بی‌بندید که چگونه برنامها آنها یک برنامه بورژوازی - رفرومیستی است. این مسئله در یک نوشته ما زمان، قبل از تحت عنوان "کارگران توری از برنامها حزب کمونیست" مورد بحث قرار گرفته است.

سؤال - ممکن است راجع به برنامها حزب کمونیست کومله و گرایشات ناسیونالیستی این سازمان بیشتر توضیح دهید؟

جواب - اگر به نشریات رسمی سازمان طی دو سال گذشته مراجعه کنید نوشته‌های زیادی در این باره ملاحظه می‌کنید، چرا که بحث و بررسی پیرامون این مسائل از حوصله این گفتگو خارج است با اینهمه در حد امکان در اینجا مسئله را با زتر می‌کنیم. شما در برنامها حزب کمونیست کومله ملاحظه می‌کنید که کومله خواهان برقراری "حاکمیت مردم" "شوراها ی مردم" و امثالهم است، اما این مردم که هستند؟ آنها پاسخ نمی‌دهند. در نظریات برنامها حزب کمونیست کومله به مردم و عده جمهوری دمکراتیک انقلابی را می‌دهد که در آن حاکمیت مردم اعمال می‌شود. در حالیکه هر کسی که با السفای مارکسیسم آشنا باشد می‌داند که دولت ارگان سیادت طبقاتی است. هر دولتی دیکتاتور طبقه یا طبقات معین است. اما کومله و حزب کمونیست او تصور می‌کنند که در جمهوری دمکراتیک انقلابی هیچ طبقه‌ای اعمال نمی‌شود و حاکمیت مردم اعمال می‌شود. تنها همین مسئله کافی است که شما بی‌به عمق تفکرات عموم خلقی و ایدئولوژی خرده بورژوازی حاکم بر این حزب بپرسید. یا در نظریات برنامها که کومله از یگسوخود را مظهر آگاه و بی‌خشن پیش‌آهنگ پرولتاریای جوان کردستان بطور خاص معرفی می‌کند، کارگران کرد را از پرولتاریای عموم ملیتهای ساکن ایران جدا می‌کند و در همین حال مدعی تشکیل حزب کمونیست است این مسئله خود به بارزترین وجه گرایش ناسیونالیستی کومله را نشان می‌دهد. آنها به این طریق تلاش می‌کنند که در صفوف طبقه کارگر تفرقه و جدائی بیندازند. کارگران کرد را از کارگران عموم ملیتهای ساکن ایران جدا کنند، به گرایشات ناسیونالیستی سازمان بزنند، در حالیکه آنها که با مارکسیسم - لنینیسم آشنا می‌دارند خوب می‌دانند که عموم پرولتاریای ملیتهای ساکن ایران طبقه کارگر و خود سراسری ایران را تشکیل می‌دهد و هیچ منافع معینی نمی‌تواند آنها را از یکدیگر جدا کند. کارگران ملیتهای ساکن ایران بهیچوجه نیازی ندارند که در هر گوشه ایران کسی خود را نماینده آنها معرفی کند. مثلاً آنطور که کومله خود را تنها پیش‌آهنگ و مظهر آگاه پرولتاریای جوان کردستان معرفی می‌کند. همین ناسیونالیسم است که سبب می‌گردد کومله در عرصه بین‌المللی نیز با کلیه کشورهای سوسیالیستی دشمنی بورژوازی - خنده آور و ترارهر چیز این واقعیت است که حزب کمونیست کومله نه تنها در میان طبقه کارگران ایران نفوذی ندارد، بلکه به جرات می‌توان گفت که آنها حتی چند هفته کارگری هم در میان کارگران ندارند و ایدئولوژی و خط مشی آنها در جامعه هیچ جایگاهی در میان طبقه کارگر ندارد. در یک کلام کومله و حزب کمونیست اش بخشی از دهقانان کردستان را نمایندگی می‌کنند.

سؤال - خود ما زمان در زمینه تشکیل حزب کمونیست چه گام‌هایی برداشته است؟

جواب - مسئله تشکیل حزب کمونیست از دیدگاه ما یک امر مبرم و جدی در جنبش کمونیستی ایران است ما در این زمینه به معیارهای لنینیستی برای تشکیل حزب کمونیست معتقدیم، ما با این مسئله اعتقاد نداریم که یک سازمان بدون معیارهای لنینیستی تشکیل شود و نام خود را حزب کمونیست بگذارد. ما اعتقاد داریم

قبل از هر چیز ضروریست که یک ادبیات واحد مشترک در میان کمونیستهای ایران وجود داشته باشد. تجسم این امر یک برنا مه و واحد جزئی است. ما تا کنون یک طرح برنا مه جزئی ارائه داده ایم. این طرح کسه محصول تجربیات جنبش کمونیستی ایران و جهان است. بر مبنای یک مبارزه ایدئولوژیک همه جا نبسته صورت گرفته است. ما از همه نیروهای مدعی ما رکیسم - لینینیم خواستاریم که انتقادات و پیشنهادات خود را درباره این طرح که اکنون بطور علنی در سطح جنبش انتشار یافته است پیش از تمویب در دو مین کنگره سازمان ارائه دهند. بدون شک این برنا مه کامیابی در راستای تشکیل حزب کمونیست ایران است. ما هر چند داشتن یک برنا مه برای تشکیل حزب ضروریست ولی کافی نیست. لازم است که علاوه بر این بیسی جنبش خود انگیخته طبقه کارگر و جنبش کمونیستی ایران تلفیق لازم صورت گرفته باشد. ما در این زمینه نیرتلاشهای خود را گسترش داده ایم و معتقدیم که حزب کمونیست ایران با بدبر مبنای این پیش شرطها تشکیل گردد. تنها چنین چیزی قادر است رهبری مبارزه طبقاتی کارگران را تا نیل پیروزی نهائی در دست گیرد.

سؤال - اخیرا حزب دمکرات گردستان اعلام کرده است که با رژیم جمهوری اسلامی سرگرم مذاکره بوده است. نظر شما در این مورد چیست؟

جواب - بله ما هم از طریق موضع گیری اخیر حزب دمکرات متوجه شدیم. در شرایطی که بیش از پنج سال از یورش سفاک رژیم جمهوری اسلامی به گردستان می گذرد و طی این مدت خلق گردما شب اقامتادی سیاسی عظیمی را متحمل شده است. بهترین فرزندان خود را برای کسب حقوق سیاسی و اقتصادی و برقراری عدالت اجتماعی و حق تعیین سرنوشت از دست داده است. در شرایطی که جنبش سراسری علمبرغم ضربات وارده همچنان به مقاومت و مبارزه علیه رژیم ادامه می دهد، توده های مردم ناراضی خود را با تاجاء مختلف آشکار نموده اند و اعتمادات متعددی که در امر کز تولید جریان دارد، بطور کلی در شرایطی که مسئله مردم ایران سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است حزب دمکرات میخواهد از رژیم امتیاز بگیرد. برای استی حزب دمکرات چه جوابی برای توده های مردم دارد؟ حزب دمکرات باید موضع خودش را مشخص کند. آیا مسئله مهم برای حزب دمکرات امتیاز گرفتن از رژیم است که در حال سقوط است؟ آیا کمک به سرنگونی این رژیم که عبارت دیگر انقلاب برای حزب، مطسرح است یا فرم؟ این مسئله ای است که کسه حزب دمکرات باید به آن پاسخ دهد. بدون شک هرگونه توافق که در این شرایط از طرف رهبر و شش و در هر منطقه ای از ایران صورت بگیرد، از طرف توده های مردم سراسر ایران محظوم خواهد بود و هیچگونه ضمانت اجرایی نخواهد داشت. این کار قطعاً موجب نشئت بیشتر بین نیروهای انقلابی را نیز فراهم خواهد نمود. از طرفی رژیم طی دو سال گذشته در گردستان پیشرویهائی داشته است و توانسته است تا حدی به مناسط استراتژیک دست یابد. از منطقه گردستان هم جبهه ای علیه رژیم عراق باز کرده و زحماط نظامی نیار میرمی به اینگونه توافقها ندارد. هدف رژیم از این مذاکرات بیشتر این است که میخواهد با این مذاکرات ضربه سیاسی به پیوریسیون انقلابی وارد آورد و نشئت و تفاق را بین نیروهای انقلابی دامن زند.

۷

بازگشت به سازمان:

سازمان دانشمویان ایرانی در آلمان فدرال و برلین غربی
 همدار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران